

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال هشتم، شماره‌ی سی‌ودوم، تابستان ۱۳۹۶، صص ۲۷-۱

تحلیل محتوای نشریه بیک سعادت نسوان؛ بایسته‌هایی برای زنان در آستانه دوره پهلوی

سمیه سادات شفیعی^۱، مژگان فراهانی^۲

چکیده

نادیده‌گیری زنان در کشاکش تحولات سیاسی و اجتماعی در مطالعات تاریخی موجب شده تا غالباً نگرش زیست‌جهان آنان به قلم مردان امری بدیهی به نظر برسد. بنابراین، مطالعه وضعیت زنان در خلال روایت‌های تاریخی زن‌نگار از اهمیت بالایی برخوردار است. پژوهش حاضر ضمن مطالعه بیک سعادت نسوان (۱۳۰۶-۱۳۰۷) به این سؤال‌ها می‌پردازد که گزارش این نشریه از زنان زمانه خود چیست و به وضعیت کدام دسته از زنان می‌پردازد؟ محتوای غالب مطالب انتشاریافته شامل چه موضوعاتی بوده و برای کدام مخاطب نوشته شده است؟ نتایج کاربرد روش تحلیل محتوا در این بررسی نشان می‌دهد نشریه به بیان وضعیت گروه‌های مختلف زنان توجه داشته، ضمن مذمت بی‌سوادی و جهل، تحصیل در مدارس و کسب سواد و آموزش جدید را جهت تربیت فرزندان و مدیریت بهتر امور خانه برای زنان ضروری می‌دانسته است. نشریه، با مخاطب قرار دادن عموم جامعه، اهمیت جایگاه زنان را برشمرده و ضمن ترویج مؤلفه‌های مدرنیته از جمله برابری، علم‌گرایی و پیشرفت‌باوری، زنان را کارگزار تغییر اجتماعی در مسیر نیل به تجدد می‌داند. به زعم این نشریه، زنان باسواد و تحصیل‌کرده می‌توانند با تربیت فرزندان وطن‌دوست، دخترانی هنرور و پسرانی بالیاقت، سعادت آتی ایران را رقم زنند.

واژه‌های کلیدی: مطبوعات زنان، مدرن شدن، سوادآموزی، آموزش، تربیت

۱. استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. (ss.shafiei@ihcs.ac.ir)

۲. دانشجوی دکتری رشته علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی. (mozghan.farahani69@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۱۶ تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۶/۲۲

۱. طرح مسئله

از دیرباز گفتمان مردمحور در ایران راوی، مؤلف و تحلیلگر حوادث، وقایع و جریان‌ها تاریخی بوده است. بنابراین وقایع اجتماعی در پرتو این گفتمان تعریف شده و تولید نظام‌های معنایی طی سده‌ها در انحصار مردان بوده است. کاتبان، مورخان و حتی نویسندگان آثار ادبی همواره مردان بوده‌اند و جز معدود استثنائاتی، صدای زنان شنیده نشده است.

در تاریخ‌نگاری رسمی، زنان نادیده گرفته شده یا به صورت جزئی در کنار سایر موضوعات به حضور آنان پرداخته شده است. درج روایت‌های زنان که در فرازونشیب تاریخ همچون مردان، با تغییر سیاست‌های رسمی یا وقایع متعدد تاریخی، زیست‌جهان آنان نیز دستخوش تغییر شده، عمدتاً توسط مردان صورت گرفته است. در کنار نقص اطلاعات در خصوص زنان، تجربه زیسته و احوالات شخصی‌شان، مسئله دیگر این است که عمده روایت‌های تاریخی زنان و تاریخ‌نگاری‌ها در قالب سفرنامه، داستان، رمان و حتی روایت‌های موجز عمدتاً در خصوص زنانی است که نسبتی با دربار داشته و در نتیجه از طبقه اشراف محسوب می‌شدند.

در بزنگاه انقلاب مشروطه چنین برداشت بی‌مایه و کمرنگی از حضور اجتماعی زنان نقض شد و جان‌مایه‌ای جدید یافت. در حقیقت در پرتو انقلاب مشروطه، به مثابه سرآغاز تحول مهمی در زیست‌جهان فکری ایرانیان، مفاهیم جدیدی چون عدالتخانه مطرح و برخی از مفاهیم رایج همچون وطن معانی تازه‌ای یافت:

ایران را وطن پنداشتن و وطن را چون مادر انگاشتن و ایرانیان را خواهران و برادران وطنی خواندن پیامدی نو در گفتمان سیاسی ایران بود. این پدیده با بازپردازی حوزه خاص و عام آغاز و زمینه زایش روح و شخصیت ایرانی غیرت و تعصب وطنی را فراهم آورد.^۱

این تلقی با رویکرد برابرخواهانه جنسیتی همراه بود و تأثیرات اجتماعی به ارمغان آورد:

۱. محمد توکلی طرقي، (۱۳۸۲)، *تجدد بومی و بازاندیشی تاریخ*، تهران: تاریخ ایران، ص. ۶۵.

| تحلیل محتوای نشریه پیک سعادت نسوان؛ بایسته‌هایی برای زنان در آستانه دوره‌ی پهلوی | ۳

«گفتمان وطن را همچون مادر پنداشتن، درهم‌آمیختگی تدریجی فضاها‌ی مردانه و زنانه و کاهش نسبی تبعیض‌های جنسی را به همراه داشت و نوعی محرمیت وطنی در میان زنان و مردان بوجود آورد»^۱.

در چنین فضایی بود که زنان باسواد با درک زمینه‌های زندگی به زعم آنان فلاکت‌بار هم‌نوعان خود به دنبال راه برون‌رفت از وضعیت وخیم حاصل از فقر، بیماری، جهل و بی‌سوادی، تعدد زوجات و سیطره خرافات برآمدند و از طرق مختلفی همچون راه‌اندازی انجمن‌ها، مدارس، ایراد سخنرانی، نشریات و غیره مطالبات خود را مطرح و به صورت جدی پیگیری کردند. بر این اساس، مطبوعات زنان در طلیعه مشروطه صدای آشکار فعالیت زنانی است که به اصالت تفکر و تلقی خود از امور باور داشتند و به بیان عمومی آن پرداختند. از این منظر مطبوعات زنان این عصر محتوای گزارشی از احوال زنان و نیز نقطه‌نظرها و دیدگاه‌های آن است.

و این همه در گذشته‌ی تاریخی خود کمتر اجازه بیان می‌یافت و غالباً جز در موارد اندک نشر عمومی پیدا نمی‌کرد. از این رو مطبوعات این عصر برای اولین بار با صورت‌بندی زنانه از مآقع و آنچه مورد انتظار است در برابر گذشته خود ایستادند و رو به آینده بهبود وضعیت زنان را خواستار شدند. پس بررسی هر یک از نشریات مذکور کلیدی است برای شناخت ذهنیت زنان باسواد، پیشرو و دغدغه‌مند مشروطه از وضعیت زمانه خود، وضعیت مطلوب و طرق احصای آن. در عین حال، مطالبی که نویسندگان ناشناس است یا مردنگاشته است نیز بخشی از پیکره صورت‌بندی زنانه از مسائل اجتماعی و مطالبات زنان محسوب می‌شود. در آن دوره، تراوایی ایده‌های مشروطه‌خواهان نوعی سیطره گفتمانی یافته بود، و از این رو می‌توان چنین فرض کرد که فضای غالب فکری در حوزه زنان و جنسیت ذیل گفتمان مشروطه و عناصر آن تعریف می‌شد و از آن فراتر نرفته است.

با این حال، رویکرد مطبوعات این دوره رویکرد متجددانه‌ای محسوب می‌شود، زیرا

۱. همان، ص. ۱۱۷.

حاکمیت عمومی نگرش تحقیرآمیز نسبت به زن را به طور تاریخی و فرهنگی شکل داده بود و در آن «زن قابل تمجید زنی بود که چیزی نداند و چیزی نفهمد تا سخنی از او نتراود و دارای خط و سواد نباشد». اما بعد از مشروطه و رشد فکری بخشی از جامعه، موضوع زنان و فعالیت‌ها و ظرفیت‌ها و استعدادهایشان مورد توجه قرار گرفت و انتظار از جامعه در به رسمیت شناختن حقوق آنان به ویژه حق برخورداری از آموزش در اجرای هر چه بهتر نقش مادری به یک تقاضا تبدیل شد و با افشای رسانه‌ای تأثیرات مخرب جهل، بی‌سوادی و خرافات در عملکرد مادران در قبال خود و اعضای خانواده، عرصه تعلیم و تربیت عمومی زنان اولویت خاصی یافت.

خانیکی (۱۳۹۱)^۱ در مقاله‌ای با عنوان «فرضیه‌ای برای مطالعه مطبوعات زنان در ایران» استدلال می‌کند که هر گاه قدرت سیاسی توزیع و جامعه مدنی قوی‌تر می‌شود، مطبوعات زنان توسعه‌یافته‌تر می‌شوند و از میان این دو متغیر اصلی اهمیت جامعه مدنی بیشتر است. برای آزمون فرضیه، دو نشریه زن/مروزی و حقوق زن بررسی شده است. فیروزه فروردین (۱۳۸۸)^۲ با بازخوانی اسناد و مدارک موجود با هدف ارائه روایت تاریخی جنسیتی از انقلاب مشروطه، با تأکید بر عامل جنسیت، به آسیب‌شناسی و نقد انقلاب مشروطه به لحاظ تحقق خواسته‌ها و آرمان‌های جنسیتی و عدم توفیق این انقلاب در از بین بردن یا کاهش نابرابری جنسیتی پرداخته است.

در این میان، در سال‌های ابتدایی تأسیس سلسله پهلوی نیز نشانه‌ای از همراهی نظام سیاسی و نیز زمینه‌چینی یا اتخاذ خط مشی حمایتی از طرح مشکلات زنان و ضرورت برنامه‌ریزی یا رسیدگی به آنان به چشم نمی‌خورد. در سال ۱۳۱۰ اولین گام‌های حمایتی که ابتدا نهاد خانواده و در نهایت زنان را منتفع ساخت در زمینه تصویب و ابلاغ قوانین

۱. برای اطلاع بیشتر ر.ک.: هادی خانیکی و معصومه کیهانی، (۱۳۹۱)، «مدلی برای مطالعه مطبوعات زنان در ایران»، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، س. ۸، ش. ۲۸، صص. ۳۵-۶۶.

۲. برای اطلاع بیشتر ر.ک.: فیروزه فروردین، (۱۳۸۸)، «بازنمایی ایدئولوژی جنسیت در گفتمان عصر مشروطه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۸.

| تحلیل محتوای نشریه پیک سعادت نسوان؛ بایسته‌هایی برای زنان در آستانه دوره‌ی پهلوی | ۵

خانواده طی شد. ثبت ازدواج، قید شروط ازدواج، تثبیت سن ازدواج برای دختران از ۱۳ و پسران از ۱۵ سال در ۱۳۱۳ و ضرورت اطلاع‌رسانی داماد در مورد ازدواج‌های پیشین‌اش از جمله اقداماتی بود که در راستای حفاظت و صیانت از نهاد خانواده به اجرا درآمد و البته زنان را نیز تا اندازه‌ای منتفع ساخت.

جامعه متلاطم سال‌های پس از مشروطه تا تأسیس حکومت پهلوی آن قدر درگیر موضوعات کلان از جمله اغتشاشات محلی، آشوب‌های ناحیه‌ای و بلواهای عمومی بود که زنان و روابط جنسیتی در آن مقطع کمتر مورد توجه بودند. در این شرایط و در فضای مملو از انواع تنش‌ها و بحران‌های ناشی از نابسامانی‌های سیاسی و اجتماعی، نشریه پیک سعادت نسوان انتشار یافت. نویسندگان بر این باورند که بررسی روشمند این گونه متون، به عنوان متونی سرشار از معنا و قدرت، در ارتباط با نظام اجتماعی مسلط در آن دوره می‌تواند ارزیابی شفاف‌تری از وضعیت زنان و جایگاه اجتماعی آنان به دست دهد و خطوط روابط جنسیتی رایج جامعه ایران را در آستانه مدرنیته آمرانه روشن سازد، و لذا نتایج پربار و کارآمدی در توضیح چگونگی وضعیت زنان و علل آن و نیز راهبردها و راه‌حل‌های برون‌رفت تجویزی از سوی نشریه و چشم‌انداز آتی ایران در آن مقطع، به منظور تعالی نهاد خانواده و نیز به طور خاص ترغیب زنان به تعلیم و فراگیری آموزش نوین به عنوان بستر شکل‌گیری امر مدرن در جامعه ایران، به دست دهد.

هدف پژوهش حاضر خوانش یکی از معتبرترین نشریات زنان است. همان‌طور که گفتیم تولید نظام‌های معنایی طی سده‌ها در انحصار مردان بوده و جز استثنائاتی محدود، صدای زنان شنیده نشده است. بنابراین، ضرورت دارد از میان آثار تاریخی، نوشتارهای زن‌نگار را جست‌وجو و تجربه انتشاریافته آنان مطالعه شود. این مطالعات می‌تواند حصار غفلت‌ها را بشکند و تصویری تخصصی و البته واقع‌بینانه‌تر از وضعیت زنان در عصر مدرن شدن ایران به دست دهند.

بنابراین مطالعه حاضر به دنبال پاسخگویی به این پرسش‌هاست: گزارش پیک سعادت نسوان از وضعیت زنان زمانه خود چیست؟ این گزارش به وضعیت کدام دسته از زنان می‌پردازد؟ این گزارش چه نمایی از مناسبات دو جنس در دوره خود ترسیم می‌کند؟

محتوای غالب مطالب انتشاریافته در این نشریه شامل چه موضوعاتی است؟ این مطالب برای کدام مخاطب نوشته شده است؟ سیاست کلی نشریه حاکی از طرح و تأکید و تمرکز بر چه موضوعاتی است؟ برای جامعه‌پذیری مخاطبان از کدام منابع مشروعیت‌بخش بهره می‌گیرد؟ کدام یک از مؤلفه‌های تجددگرایی مطرح شده و نشریه چه گرایشی نسبت به تجدد دارد؟

۲. روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش تحلیل محتواست. تجزیه و تحلیل محتوای پیام ارتباطی روشی مهم در مطالعه اجتماعی است که با استفاده از آن می‌توان انواع مسائل و موضوع‌های مورد بحث در مطبوعات، برنامه‌های رادیو و تلویزیون و فیلم‌های سینمایی را چه از نظر کمیت (فراوانی و تکرار) و چه از لحاظ کیفیت (اهمیت و ارزش) بررسی کرد.^۱ تکنیک تحلیل محتوا، بررسی و تجزیه و تحلیل منابع نوشتاری، گفتاری و تصویری از هر نوع را مد نظر دارد و کوششی در جهت کشف و تفسیر تحلیل پیام مستتر در منابع است. این تکنیک وسیله‌ای برای تجزیه و تحلیل منظم، عینی و کلی محتوای مشخص فراورده‌ای ارتباطی (تصویری، نوشتاری و صوتی) است و تکنیکی کمی برای تفسیر و تعیین منابعی است که به طور کلی کیفی به حساب می‌آیند. تعاریف سه‌گانه زانگ و ویلدامات (۲۰۰۹)^۲ از تحلیل محتوای کیفی نشان می‌دهد که تحلیل کیفی بر تحلیل و تبیین منسجم گفتارها/متون و زمینه‌های ویژه آنها متمرکز است. تحلیل محتوای کیفی از صرف محاسبه کلمات یا استخراج محتوای عینی از متون فراتر می‌رود و به سنجش معانی، قالب‌ها و الگوهایی که ممکن است در متن مورد نظر آشکار یا پنهان شده باشد، می‌پردازد. این روش به محققین امکان می‌دهد واقعیت اجتماعی را به شکلی ذهنی و در عین حال علمی درک کنند.

۱. دانیل رایف و دیگران، (۱۳۸۱)، *تحلیل پیام‌های رسانه‌ای؛ کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق*، ترجمه مهدخت بروجردی، تهران: سروش، ص. ۴۰.

2. Y. Zang; B. M. Wildemuth (2009), "Quantitative Analysis of Content." In: B. M. Wildemuth, ed., *Applications of Social Research Methods to Questions in Information and Library Science*, Libraries Unlimited, pp. 1-12.

| تحلیل محتوای نشریه پیک سعادت نسوان؛ بایسته‌هایی برای زنان در آستانه دوره‌ی پهلوی | ۷

جامعه آماری این پژوهش کلیه شماره‌های نشریه پیک سعادت نسوان شامل شش شماره است که از ۱۵ آبان ماه ۱۳۰۶ تا شهریور ماه ۱۳۰۷، در ۵ جلد و جمعاً در ۱۹۶ صفحه منتشر شد.

به دلیل اهمیت مطالب نشریه و در دسترس بودن جامعه آماری، تمام مطالب نشریه مورد تحلیل قرار می‌گیرد. بدین منظور، ۵۰ مورد از مطالب نشریه کدگذاری شدند. واحد تحلیل در این پژوهش از آغاز تا پایان یک مطلب نشریه اعم از خبر، مقاله، سرمقاله، شعر و... است.

به لحاظ پایایی باید گفت این پژوهش توسط دو پژوهشگر صورت گرفته و بنابراین با دقتی وافر به صورت جداگانه مورد کدگذاری قرار گرفته است. در خصوص متغیرهایی که امکان دخل و تصرف ذهنیت کدگذار در کدگذاری وجود داشته از فرمول اسکات استفاده شده است. همچنین متغیر کارکرد مطلب، هدف مطلب و منبع مشروعیت‌بخش مجدداً کدگذاری شد. بر اساس فرمول اسکات، ضریب پایایی در متغیر کارکرد مطلب ۹۵ درصد و هدف و منبع مشروعیت‌بخش ۹۰ درصد بوده است.

به لحاظ برخورداری از اعتبار صوری و اعتبار سازه باید گفت سؤال‌ها و مقوله‌های این تحقیق ابتدا توسط متخصصان تأیید شده‌اند و لذا توافق در مورد سنجه‌های تحقیق وجود دارد. همچنین بخشی از متغیرها در تحقیقات پیشین مورد استفاده قرار گرفته و روایی آنها محرز بوده است.

۳. نشریه پیک سعادت نسوان

پیک سعادت نسوان در ۱۵ مهر ۱۳۰۶ به صاحب امتیازی روشنگر نوعدوست^۱ در رشت منتشر شد. این نشریه هر دو ماه یک بار با قطع کوچک (ابعاد ۲۱×۱۵) در مطبعه اتحاد، فردوس و جاوید، به چاپ می‌رسید. از آبان ماه ۱۳۰۶ تا شهریور ماه ۱۳۰۷، شش شماره

۱. روشنگر نوعدوست (۱۲۷۳-۱۳۳۸)، فرزند سلمه و حاج سیدحسین، از خانواده‌های ریشه‌دار رشت و از فرادستان آن زمان بود. او در جوانی با مالک کتاب‌فروشی «تجدد» شهر رشت ازدواج کرد و خیلی زود از همسر خود جدا شد.

از این نشریه در ۵ جلد در قطع رقعی و بهای دو قران، جمعاً در ۱۹۶ صفحه به طور پیاپی منتشر شد. از صفحه اول هر شماره نشریه، که قیمت اشتراک را درج کرده، می‌توان دریافت نشریه در شهرها و حتی کشورهای دیگر نیز توزیع می‌شده است.

نوعدوست به واسطه آموزش در محضر اساتید ادبیات فارسی، زبان فرانسه و ریاضیات به ضرورت آموزش و پرورش نوین پی برده بود. او نخست کوشید از طریق آموزش زنان غبار جهل و بی‌سوادی را از ذهن زنان بشوید. در آغاز با تأسیس مدرسه‌ای ویژه دختران به امر آموزش آنان همت گمارد. در گام بعد به فعالیت‌های اجتماعی روی آورد و «جمعیت پیک سعادت» را به همراه جمعی دیگر از زنان فرهیخته گیلان راه‌اندازی کرد و همچنین دست به فعالیت‌های فرهنگی و هنری زد. درباره فضای اجتماعی-سیاسی آن دوره رشت باید گفت:

گشایش مدرسه سعادت نسوان با گسترش جنبش جنگلیان (۱۳۰۰-۱۲۹۳) هم‌زمان شد. آنها در فضای آزاد سال‌های پایانی سده پیشین، به بیداری زن ایرانی دل بسته بودند؛ مشارکت وی را در زندگی لازمه پیشرفت میهن می‌شناساندند و از آموزش و پالایش فکر و فرهنگ بانوان سخن می‌گفتند. در یک چنین بستر اجتماعی بود که زنان پیشرو رشت یکدیگر را بازیافتند و گرد هم آمدند و چند انجمن برپا داشتند.^۱

در مرحله بعد، پیک سعادت نسوان به عنوان مهم‌ترین و تأثیرگذارترین نشریه ویژه زنان در تاریخ جراید گیلان متولد شد و در مدت زمان کوتاه انتشار خود توانست در راه دست‌یابی به حقوق اجتماعی و آگاهی و روشن‌اندیشی مخاطبانش افق‌های تازه‌ای بگشاید. شکل ظاهری این نشریه و مطالب آن نشان‌دهنده نگاهی نسبتاً حرفه‌ای به مقوله روزنامه‌نگاری در آن دوران است. فضای اجتماعی، اختناق رضاشاهی، محدودیت‌های مالی و یا دلایل دیگری که بر ما روشن نیست، منجر به تعطیلی مجله پس از انتشار ششمین شماره آن در شهریور ۱۳۰۷ شد.^۲

۱. بنفشه مسعودی و ناصر مهاجر، (۱۳۹۰)، مجله پیک سعادت نسوان، آلمان: قطره، ص. ۱۰.

۲. شادی پیروزی و هادی میرزائزاد موحد، (۱۳۹۳)، پیک سعادت نسوان؛ دومین نشریه زنان گیلان، رشت: فرهنگ ایلیا، ص. ۱۴-۱۵.

تحلیل محتوای نشریه پیک سعادت نسوان؛ بایسته‌هایی برای زنان در آستانه دوره‌ی پهلوی | ۹

چنان‌که از نام نویسندگان زن این نشریه برمی‌آید آنان غالباً از پایگاه اجتماعی و اقتصادی متوسط برخوردار بودند و از خانواده‌هایی با سرمایه اجتماعی-فرهنگی قابل توجه بودند.^۱

۴. یافته‌های توصیفی

در ادامه و به جهت ترسیم سیمای کلی نشریه به توصیف یافته‌ها بر اساس متغیرهای اصلی پژوهش می‌پردازیم:

محتوای مطلب شامل موضوع یا موضوعاتی است که مطلب نشریه اعم از شعر، مقاله، یادداشت، سخن و از این قبیل حاوی آن می‌باشد.

جدول ۱. محتوای مطلب

محتوای مطلب	فراوانی	درصد
اجتماعی	۳	۶٪
خانوادگی و زناشویی	۲	۴٪
علمی	۳	۶٪
بیماری و بهداشت	۲	۴٪
تربیتی و آموزشی	۲۱	۴۲٪
قدرت	۶	۱۲٪
مشارکت مدنی	۳	۶٪
وضعیت اجتماعی	۱۰	۲۰٪
جمع ستونی	۵۰	۱۰۰٪

۱. برای مثال والدین اشرف‌السادات قائم‌مقامی از نوادگان قائم‌مقام فراهانی بودند و مؤسس و مدیر مدرسه بنات اسلامی رشت. سرور محمص فرزند میرزا احمدخان مستوفی محمص از شخصیت‌های خوشنام گیلان و رئیس مدرسه اکابر نسوان بود. محمد جودی از ادبای عصر خود بود و دکتر آقاخان از آزادی‌خواهانی بود که به نهضت جنگل پیوست. ملک‌الشعراى بهار شاعر، ادیب، مورخ، روزنامه‌نگار و سیاست‌مدار نامی ایران بوده است.

مطالعه پراکندگی یافته‌ها بر اساس متغیر محتوای مطلب نشان می‌دهد، مطابق جدول، بیشترین محتوا تربیتی و آموزشی (۴۲ درصد) و بعد از آن وضعیت اجتماعی (۲۰ درصد) است. محتوای تربیتی و آموزشی شامل هر گونه محتوایی است که در باب آموزش زنان، آموزش سیاست مادری، پرداختن به مسائل تربیتی، تأکید بر تحصیلات زنان باشد. این محتوا گاه به تشویق زنان به علم‌آموزی و تشریح فواید آموزش زنان پرداخته است:

هر شخصی که وطن و مملکت خود را دوست دارد باید یقین داشته باشد که تشویق و ترغیب در درس خواندن دختران و جهد در تهیه وسایل و تسهیل تربیت آنها، خدمت بزرگی است که در یک معنا به ملت خود نموده و در واقع برای خیر مملکت خویش کار کرده است، ولی زن نباید فقط برای نفع مملکت تربیت شود بلکه زن برای سعادت و برای حفظ ناموس و شرافت خود باید با هنر و تربیت باشد.^۱

علاوه بر محتوای آموزشی، توصیف وضعیت اجتماعی زنان^۲ در جامعه، که اغلب به شکل انتقادی مطرح شده، نیز مورد توجه بوده است.

کارکرد مطلب به پیامدهای مطالعه نشریه به تفکیک هر مورد می‌پردازد و مشتمل بر پیامد قابل تشخیص و مورد انتظار مطالعه اثر در دو مقوله اصلی آموزش و اطلاع‌رسانی است.

جدول ۲. کارکرد مطلب

کارکرد مطلب	فراوانی	درصد فراوانی
آموزشی و تربیتی	۲۵	۵۰٪
اطلاع‌رسانی	۲۳	۴۶٪
سایر	۲	۴٪
جمع ستونی	۵۰	۱۰۰٪

۱. «زن و مرد»، بیک سعادت نسوان، ش. ۳.

۲. تفاوت متغیر وضعیت اجتماعی زنان با اجتماعی در این است که وضعیت اجتماعی به شرایط زیست زنان در جامعه می‌پردازد، اما متغیر اجتماعی به صورت کلان اشاره به محتوایی دارد که به مسائل اجتماعی عمومی می‌پردازد.

| تحلیل محتوای نشریه پیک سعادت نسوان: بایسته‌هایی برای زنان در آستانه دوره‌ی پهلوی | ۱۱

بر طبق جدول بالا، می‌توان گفت بیشترین کارکرد مطالب در این نشریه آموزشی و تربیتی و بعد اطلاع‌رسانی بوده است. اطلاع‌رسانی عمدتاً در خصوص مقایسه وضعیت زنان در جهان صورت گرفته است: «از اثر عدم توجه اولیای امور و عدم علاقه‌مندی مردان مملکت به بسط معارف نسوان است که امروزه خواهران ما از کلیه ترقیات بشری محروم مانده و در گوشه‌ای خزیده، می‌سوزند و می‌سازند و دادرسی نمی‌یابند.»^۱

هدف مطلب به جنبه ترغیبی بودن مطلب اشاره دارد. هر مطلب در خواننده قصد ایجاد چه انگیزه و رغبتی را داشته و روح کلی متن با چه هدفی نگاشته شده است؟ هدف این نشریه آموزش و تربیت نسوان بوده است. گاه این مسئله با رویکرد آمرانه همراه بوده است:

مادرهای ما باید از ابتدای طفولیت اطفال را عادت دهند که ایران و ایرانی را بر همه چیز مقدم بشمارند. باید لاینقطع حافظه اطفال را از اسامی بزرگان ایران پر کنند. باید همیشه شرح حال بزرگان ایران را به جای قصه و افسانه برای اطفال خود بگویند. وطن پرستی ایرانی امروزه باید قهراً متجدد و مایل به تمدن جدید باشد.^۲

و گاه به توصیه بسنده کرده است. برای مثال در شماره سوم نشریه، در خصوص معایب تربیت ایرانی، نویسنده تربیت کودکان ایرانی را مورد انتقاد قرار داده و الگوی تربیتی ارائه می‌دهد و در نهایت معتقد است:

اگر هر مادری فرزند خود را با این اصول تربیت کند، یک نسل که بگذرد، ایران عزیز ما پر خواهد بود از مردمان دلیر، از مردان کار، مولدین ثروت، مخترعین بزرگ، پهلوانان جهان و از خانم‌هایی که دیگر به گوشه بدبختی قناعت نخواهند کرد و تمام این پرده‌های مصیبت و ناتوانی را با دست قادر خود یک‌باره خواهند درید.^۳

۱. «به کجا باید توجه کرد؟»، پیک سعادت نسوان، ش. ۴-۵.

۲. «سهم مادرها در ترقی و تجدد ایران»، پیک سعادت نسوان، ش. ۲.

۳. سعید نفیسی، «معایب تربیت ایرانی»، پیک سعادت نسوان، ش. ۳.

نوع مطلب آموزشی: در میان مطالبی که کارکرد آموزشی داشته‌اند، کارکرد مذکور کسب آموزش در راستای تحقق چه امری بوده است؟

جدول ۳. نوع مطلب آموزشی

نوع مطلب آموزشی	فراوانی	درصد فراوانی
آموزش برای سیاست مادری	۳۸	٪۷۶
آموزش برای مشارکت اجتماعی	۸	٪۱۶
آموزش برای بر هم زدن مناسبات قدرت	۴	٪۸
جمع ستونی	۵۰	۱۰۰

می‌توان گفت در میان مطالبی که بر آموزش زنان تأکید داشتند سه هدف دنبال شده است. آموزش زنان به منظور یادگیری اصول خانه‌داری، فرزندپروری و تربیت فرزند، به عنوان شاه‌کلید ورود آنان به عرصه اجتماع و شروع فعالیت‌های اجتماعی، و در نهایت به قصد تغییر وضعیت و بر هم زدن مناسبات منجر به تیره‌روزی زنان. مطابق با جدول بالا، آموزش به قصد تربیت مادران یا تعلیم سیاست‌های مادری با بیشترین درصد (۷۶ درصد) از مهم‌ترین اهداف آموزشی نشریه بوده است. همچنین آموزش به منظور بر هم زدن مناسبات قدرت با ۸ درصد کمترین موضوعی بوده که مقصود مطالب تربیتی و آموزشی نشریه محسوب شده است.

هدف مجله، تربیت نسوان و تعلیم زنان به منزله مادر بوده و اکثر مطالب قرار است زنان را در جهت پذیرش این نقش تجهیز و آماده سازد: «مادر مانند کوزه‌گری است که گِل را در هر شکل بخواهد می‌دهد. بچه خود را در هر شکل بخواهد پرورش می‌تواند دهد و مطابق تصور خود بزرگ کند.»^۱ در این مورد مطالبی با عناوین حفظ‌الصحه، بچه را بازی لازم است، نصایح صحی، نجات غریق به منظور آموزش در خصوص تربیت فرزند، حفظ بهداشت فردی و نیز سلامت کودکان به خوانندگان عرضه داشته است.

۱. «زن و مرد»، پیک سعادت نسوان، ش. ۳.

آموزش زنان برای مشارکت اجتماعی نیز یکی دیگر از کارکردهای مطالب نشریه است. این امر در نشریه ذیل تحقق الگوی مادری مطلوب تعریف شده و در جهت پرورش نسل آتی، مشارکت اجتماعی زنان را آینده‌نگرانه و استراتژیک دانسته و سعی در پیوند این کارکرد با سیاست مادری داشته است. برای مثال، در شماره دوم، زنان مسئول آینده و سعادت ایران معرفی شده‌اند و نیل به این هدف در گروی تربیت فرزندان وطن‌پرست دانسته شده است. «خانم‌های محترم - این وظیفه بر شماست، سعادت آینده ایران را به دست شما سپرده‌اند، اگر شما اطفال وطن‌پرست تربیت کنید یقین بدانید که تمام مصائب ایران را چاره کرده‌اید.»^۱ می‌توان گفت عمده ترغیب به مشارکت اجتماعی زنان دعوت به تعلیم و تربیت است که این امر موجب تربیت فرزندان میهن‌دوست می‌شود.

در خصوص آموزش برای برهم زدن مناسبات قدرت نیز آمده است:

در این هنگام که پرده‌های سیاه بدبختی و هزار گونه عوامل تیره‌روزی سد بزرگی در مقابل ترقیات نسوان گردیده، در این زمان که اصول اجتماعی تمام ملل خاموش و عقب‌مانده اصلاح و سر و صورت نوین به خود می‌گیرد، بالاخره در وقتی که ایران هم از خواب غفلت طولانی خود جنبش نموده، ... خامه ناتوان را به دست گرفتیم که تا حد امکان عوامل و وسایل تبه‌روزی را نشان داده و اصلاحات اساسی آنها را خواستار شویم.^۲

جدول ۴. هدف مطلب

درصد فراوانی	فراوانی	هدف مطلب
۳۲٪	۱۶	ترغیب به اصلاحات اجتماعی
۲۲٪	۱۱	ترغیب اخلاقی
۳۸٪	۱۹	ترغیب تربیتی و آموزشی
۸٪	۴	هیچ کدام
۱۰۰٪	۵۰	جمع ستونی

۱. سعید نفیسی، «سهم مادرها در ترقی و تجدد ایران»، پیک سعادت نسوان، ش. ۲.

۲. روشنگر نودوست، «بیان مقصود»، پیک سعادت نسوان، ش. ۳.

جدول بالا پراکندگی فراوانی‌ها را براساس هدف مطلب نشان می‌دهد. بر اساس جدول، بیشترین هدفی که نشریه دنبال کرده تربیتی و آموزشی (۳۸ درصد) بوده و پس از آن تشویق به اصلاحات و مشارکت اجتماعی (۳۲ درصد) قرار دارد.

بیشترین تأکید نشریه بر لزوم آموزش زنان به جهت تحقق هر چه مطلوب‌تر الگوی مادری است. بر این اساس، آموزش زنان از آن رو مورد تشویق و ترغیب قرار می‌گیرد که زنان را از سیاست مادری و چگونگی عهده‌داری مطلوب امور منزل و خانه‌داری، همسر داری و فرزندپروری برخوردار سازد. ترغیب به اصلاحات اجتماعی نیز به عنوان مسئله اصلی مطرح نیست و همان طور که گفته شد در پیوند با سیاست مادری قرار دارد. در واقع زنان از آن رو کارگزاران اصلی تغییرات اجتماعی محسوب می‌شوند که می‌توانند فرزندان میهن‌پرست، مبادی آداب و تحصیل‌کرده پرورش دهند.

نشریه برای جلب اعتماد مخاطبان به منابع مشروعیت‌بخشی استناد می‌کند تا بتواند بر اثرگذاری پیام خود بیفزاید. از آن جمله است مطالبی که در آنها برای اصالت دادن به گفتار خود از سخنان روشنفکران، دانش و علم به خودی خود و تجربیات کشورهای خارجی استفاده کرده است.

جدول ۵. منبع مشروعیت بخش

منبع مشروعیت‌بخش	فراوانی	درصد فراوانی
روشنفکران و دانشمندان	۷	۱۴٪
حکومت و صاحب‌منصبان	۲	۴٪
مذهب	۶	۱۲٪
علم و دانش	۸	۱۶٪
کشورهای خارجی	۱۶	۳۲٪
هیچ کدام	۱۰	۲۰٪
سنت و عرف	۱	۲٪
جمع ستونی	۵۰	۱۰۰٪

| تحلیل محتوای نشریه پیک سعادت نسوان: بایسته‌هایی برای زنان در آستانه دوره‌ی پهلوی | ۱۵

پراکندگی فراوانی در جدول بالا نشان می‌دهد بیشترین منبع مشروعیت‌بخش مطالب ارجاع به تجارب کشورهای خارجی (۳۲ درصد) بوده و کمترین منبع مشروعیت‌بخشی متعلق به ارجاع به مبانی عرفی و سنتی (۲ درصد) است.

متغیر مذهب اشاره به محتواهایی دارد که در آنها برای مشروعیت‌بخشی به مطلب از آیات، روایات و احادیث نبوی استفاده شده است. نگاه مثبت به کشورهای دیگر و پیشرفت آنها سبب شده است ۳۲ درصد مطالب مشروعیت خود را از طریق ذکر کردن پیشرفت کشورهای خارجی کسب کنند:

در تمام دول متمدنه، دختر مانند پسر مجبور است به مدرسه برود. هر مملکتی که می‌خواهد قدم به شاهراه ترقی و تمدن بگذارد، اول کاری که انجام می‌دهد، تعلیم را در مملکت برای پسر و دختر اجباری می‌نماید ... امروز در اروپا فرقی بین نظام‌نامه و دروس نسوان و پسران نیست و اگر هم باشد خیلی جزئی است.^۱

مطابق جدول بالا می‌توان گفت نشریه اغلب سعی در فاصله گرفتن از تعالیم جنسیتی عرفی بوده و از طریق پیشرفت کشورهای خارجی به مطلب خود مشروعیت بخشیده است. علاوه بر اروپا، به پیشرفت‌ها در ژاپن، چین و حتی افغانستان اشاره شده است: «در ژاپون [ژاپن] که قافله‌سالار و پیش‌قراول تربیت و ترقی نسوان در شرق آسیا است، دارالفنون مخصوصی برای نسوان موجود است که نظیری در آسیا برای آن نمی‌توان تصور کرد».^۲

۱. «زن و مرد»، پیک سعادت نسوان، ش. ۳.

۲. همان.

جدول ۶. مؤلفه‌های مدرنیته در متن

مؤلفه‌های مدرنیته در متن	فراوانی	درصد فراوانی
عقل‌گرایی	۲	۴٪
علم‌گرایی	۹	۱۸٪
سنت‌ستیزی	۶	۱۲٪
انسان‌گرایی	۵	۱۰٪
پیشرفت‌باوری	۹	۱۸٪
برابری‌گرایی	۱۱	۲۲٪
آزادی‌گرایی	۲	۴٪
دنیاگرایی	۲	۴٪
خرافه‌ستیزی	۲	۴٪
سایر	۲	۴٪
جمع ستونی	۵۰	۱۰۰٪

پراکندگی فراوانی مؤلفه‌های مدرنیته در جدول بالا نشان می‌دهد بیشترین مؤلفه مورد تأکید برابری‌گرایی (۲۲ درصد) و پس از آن علم‌گرایی و پیشرفت‌باوری (۱۸ درصد) بوده است. کمترین درصد نیز متعلق به مؤلفه‌های عقل‌گرایی، آزادی‌گرایی، دنیاگرایی و خرافه‌ستیزی (۴ درصد) است. از جمله درباره مؤلفه برابری‌گرایی می‌خوانیم: «آیا این عقیده طفلانه نیست که چون مثلاً ترکیب مغز یا استخوان‌بندی یا بلندی و کوتاهی زن نسبت به مرد متفاوت است، بنابراین، زن حق درس خواندن و تربیت شدن و آزاد گشتن و اسیر نشدن ندارد؟»^۱

پس از برابری‌گرایی، مؤلفه «علم‌گرایی» و «پیشرفت‌باوری» مورد تأکید است: یکی از مسائلی که فوق‌العاده مهم و برای نسل آتیه بی‌اندازه ضروری است، قابله‌های تربیت‌شده و عالم است که مع‌الاسف در مملکت ما هنوز به این موضوع حیاتی اهمیت بسزا نداده و بالنتیجه به طوری که مشهود است نه تنها

۱. همان.

قراء و قصابات بلکه شهرهای بزرگ ایران نیز فاقد یک قابله عالمه عامله است و نظر به اهمیت مخصوص که این موضوع دارد، وظیفه اولیه دولت وقت عموماً و بلدی‌های ولایات خصوصاً این است که مدارس و دارالتربیه‌های لازمه برای تهیه قابله‌های مجرب و فاضله، افتتاح و تأسیس نمایند.^۱

در خصوص پیشرفت‌باوری در مطلبی در مذمت مهاجرت جوانان به اروپا آمده است:

من مخصوصاً به این نکته اشاره کردم که این فکر گریز از مرکز در جوانان ایرانی خوب نیست و با مفکورات معاصر بشری مطابقت ندارد. اگر همه بخواهند به این خیال بیافتند و به ممالک خارجه بروند، آن وقت مدنیت و ترقی ایران را که تأمین خواهد کرد؟^۲

درباره سنت‌ستیزی می‌توان گفت که تلاش نشریه تغییر آداب و رسوم و عدم پیروی از سنن در مسائل تربیتی و حتی بهداشتی است. برای مثال،

ما زن‌ها در نتیجه عادات، آداب و رسومی که هیچ مبنای شرعی یا عرفی ندارند، به حال سکون مانده‌ایم. همه جلو می‌روند، همه متمدن می‌شوند، ولی ما زن‌ها و مردهای ایرانی در پیچ‌وخم عادات و رسومی که امروز هیچ قافیه و منطقی ندارند گرفتاریم.^۳

جدول ۷. جهت‌گیری نسبت به مؤلفه‌های مدرنیته

نوع جهت‌گیری	فراوانی	درصد فراوانی
منفی	۰	۰
مثبت	۴۳	۸۶٪
فاقد جهت‌گیری	۷	۱۴٪
جمع ستونی	۵۰	۱۰۰٪

۱. همان.

۲. «مکتوب از خارجه»، پیک سعادت نسوان، ش. ۶.

۳. «مرده باد عادت»، پیک سعادت نسوان، ش. ۲.

مطابق جدول بالا، می‌توان گفت هیچ‌کدام از مطالب نشریه جهت‌گیری منفی نسبت به مؤلفه‌های مدرنیته نداشته‌اند. ۴۳ مطلب از کل مطالب نشریه (۸۶ درصد) جهت‌گیری مثبت نسبت به مؤلفه‌های مدرنیته داشته و هفت مطلب (۱۴ درصد) فاقد جهت‌گیری نسبت به آن بوده‌اند.

جدول ۸. مخاطب هدف

مخاطب	فراوانی	درصد فراوانی
زن	۱۶	۳۲٪
عام	۳۴	۶۸٪
جمع ستونی	۵۰	۱۰۰٪

مخاطب هدف: منظور از آن مخاطبی است که مطلب او را مورد خطاب قرار داده است. این متغیر نشان می‌دهد سوگیری نشریه به کدام سمت بوده و سعی در تأثیرگذاری بر کدام دسته‌ی مخاطبان را داشته است. لذا هرچند از عنوان نشریه می‌توان آن را برای زنان تلقی کرد، اما جنس نویسندگان و نیز سیاست نشریه از جمله بهره‌گیری از آثار نویسندگان مذکر در همه شمارگان نشان می‌دهد نشریه هر دو جنس را مخاطب قرار داده و به دنبال آگاه‌سازی عمومی در مورد اهمیت جایگاه زن، مادر و نیز ضرورت آموزش برای زنان بوده است.

براساس جدول بالا، بیک سعادت نسوان، در ۳۲ درصد مطالب نشریه، زنان را مورد خطاب قرار داده و ۶۸ درصد مطالب نشریه به طور کلی نگاشته شده و مخاطب عام داشته‌اند.

می‌توان زنانی را که در نشریه مورد خطاب قرار می‌گیرند کسانی دانست که نشریه به نكوهش زیست‌جهان آنان پرداخته و درصدد تغییر آن است. عمده خطاب‌ها به منظور فراخوانی برای تغییر است. زنان به عنوان کارگزاران تغییر جامعه مورد خطاب قرار می‌گیرند.

مادرهای ما باید از ابتدای طفولیت اطفال را عادت دهند که ایران و ایرانی را بر

تحلیل محتوای نشریه بیک سعادت نسوان: بایسته‌هایی برای زنان در آستانه دوره‌ی پهلوی | ۱۹

همه چیز مقدم بشمارند. باید لاینقطع حافظه اطفال را از اسامی بزرگان ایران پر کنند. باید همیشه شرح حال بزرگان ایران را به جای قصه و افسانه برای اطفال خود بگویند.^۱

جدول ۹. نویسنده متن

نویسنده	فراوانی	درصد فراوانی
زن	۹	۱۸٪
مرد	۱۲	۲۴٪
فاقد	۱۶	۳۲٪
مستعار	۹	۱۸٪
مجله	۴	۸٪
جمع ستونی	۵۰	۱۰۰٪

بیشترین نویسندگان و شاعران نشریه مردان با فراوانی ۲۴ درصد هستند. تعداد ۹ نویسنده زن (۱۸ درصد) در نشریه قلم زده‌اند. البته همین تعداد نویسنده نیز با نام مستعار بوده‌اند. از طرفی دیگر، حدود ۳۲ درصد مطالب فاقد نام بوده و در این مورد نیز نمی‌توان جنس نویسنده را تشخیص داد. چه بسا بخشی از مطالب فاقد نام یا دارای نام مستعار به قلم زنانی نگاشته شده که به دلیل فضای عمومی قالب ترجیح دادند گمنام بمانند.

۵. یافته‌های تحلیلی

در پاسخ‌گویی به سؤال اصلی مقاله که نشریه در صدد بیان وضعیت کدام گروه از زنان است، می‌توان گفت بر طبق مفروض پژوهشگر، نشریات زن‌نگار بر خلاف تاریخ‌نگاری رسمی، که اغلب به روایت‌هایی از زنان طبقات بالای جامعه بسنده می‌کند و زیست‌جهان دیگر زنان جامعه را مغفول می‌گذارد، تأکید زیادی بر وضعیت رایج زنان دارد. این نشریه به بیان احوال عموم زنان پرداخته و تلاش داشته تنها به قشر یا گروه خاصی بسند نکند.

۱. «سهم مادرها در ترقی و تجدد ایران»، بیک سعادت نسوان، ش. ۲.

در جایی به بیان احوال زنان تهی دست از جمله کلفت‌ها می‌پردازد که «کلفت را غالباً در ایران اگر جوان و بچه‌دار باشد قبول نمی‌کنند». در جایی وضعیت زنان کشاورز روستایی را گزارش می‌دهد:

در اطراف شهر ما زن‌هایی هستند که روزی ۱۶ ساعت در بستان‌ها کار می‌کنند. زن‌های دهاتی گیلانی در مزارع برنجکاری سخت‌ترین کارها را انجام می‌دهند، مرض و حمل از ادامه کار زراعتی مانع نمی‌شود. بسا شده است که زن دهاتی تا همان لحظه وضع حمل هم در مزرعه کار می‌کرده است.^۱ به فراخور به تصلب ساختاری و بسته بودن درهای اشتغال برای زنان جویای دستمزد می‌پردازد و از این رهگذر فحشا را پیامد طبیعی چنین انسدادی می‌داند:

زنان منوره و فعال و پیشرو که ترقی و تعالی و بهبود اوضاع خواهران خود را طالب‌اند، باید به بهبودی اوضاع این اکثریت زحمت‌کش زنان توجه کنند، باید برای اصلاح اوضاع اینها و زنان دیگری که از طلوع تا غروب آفتاب برای لقمه نانی زحمت می‌کشند و در نتیجه در تاریکی، دور از معارف و تربیت زندگی می‌کنند و اگر دو روزی کار گیرشان نیاید، اشتغال به فحشا و به جای فروش زحمت بازو، ناموس‌فروشی را در پیش می‌گیرند ... کار کرد.^۲

و در جایی به شأن و منزلت عمومی زنان اشاره دارد: «ملتی که با زنان خود مثل بهائم و جانوران وحشی معامله می‌کند، حق آزادی‌خواهی ندارد!»

موضوع دیگر آن است که زنان به چه تشویق می‌شوند؟ زنان به سوادآموزی ترغیب شده و در این راستا راه‌اندازی مدارس دخترانه مورد تأکید قرار می‌گیرد. تحلیل هدف مطالب نشان می‌دهد بیشتر مطالب به جهت ترغیب خوانندگان به لزوم بهره‌گیری زنان از آموزش نگاشته و تحصیل زنان ضرورت دانسته شده است. اما چه آموزشی از نظر نشریه برای زنان حائز اهمیت است؟ در این پژوهش، آموزش با سه مقوله «سیاست مادری»، «آموزش برای مشارکت اجتماعی»، «آموزش برای برهم زدن مناسبات قدرت» تعریف

۱. «به کجا باید توجه کرد»، بیک سعادت نسوان، ش. ۴-۵.

۲. همان.

شده است. سیاست مادری به معنای عهده‌داری هر چه بهتر امور فرزندپروری، تربیت فرزند، مدیریت امور خانه و خانه‌داری و همچنین تقویت مادرانگی تعریف شده است. در واقع هدف در اینجا تحقق مادری به نحو احسن است و آموزش از منظر این نشریه دست‌یابی به این هدف را تسهیل می‌کند:

حقیقتاً تحصیل علم از برای طبقه نسوان واجب است تا در اداره کردن امور داخلی خانواده و تربیت جگرگوشگان خویش بصیرت تام حاصل نموده و با دست‌های تربیت‌شده خود بنای سعادت خویش و فرزندان و شوهر خود را استوار نمایند.^۱

الگوی مناسبی که نشریه برای زنان در نظر می‌گیرد زنی است که حافظ ناموس و شرف خویش است، وظایف مادری و همسرداری را به خوبی می‌داند، به تحصیل می‌پردازد و آینده جامعه‌اش را با تربیت نسل بعد رقم می‌زند.

آیا بر تربیت اولیه ایمان و عقیده دارید؟ آیا تصدیق دارید که دامان مادر می‌تواند بهشت سعادت باشد یا جهنم بدبختی؟ نسوان کشور ما به واسطه تضییقات و فشار و عناد مردان همین مملکت، متأسفانه به اسرار تعلیم و رموز تربیت آشنا نیستند و به این دلیل نمی‌توانند دختران هنرور و پسران لیاقتمند به جامعه تحویل بدهند. مادام که حال بدین منوال است، انتظار سعادت و نیک‌بختی از این جامعه گیج و گول داشتن، توقع میوه شیرین از درخت حنظل نمودن است؟^۲

از طرفی، مهم‌ترین وظیفه مادران پرورش فرزندان و وطن‌پرست است که اوضاع کشور را سامان دهند. این مسئله در راستای سیاست ملی‌گرایی رضاشاه بوده است. استقرار و تأسیس دولت‌ملت از دستاوردهای پهلوی اول و مدرن شدن ایران در ساحت سیاسی مدرنیته است. سیاست‌های نوسازی آمرانه رضاشاه بر سه اصل ملی‌گرایی، تجددگرایی و سکولاریزم استوار بود. او در صدد برآمد تا بر اساس اندیشه ناسیونالیستی هویت ملی

۱. اشرف قائم‌مقامی، «علت تیره‌روزی نسوان و علاج آن»، پیک سعادت نسوان، ش. ۲.

۲. م. جودی، «زن در جامعه ما»، پیک سعادت نسوان، ش. ۱.

فاخری ایجاد کند و تنها ملی‌گرایی مجاز دوره پادشاهی او به بیان کدی عبارت بود از ناسیونالیسم رسمی با تأکید بر همگنی و تجانس ملی، ضدروحانی، تجدد و قدرتی بود که به گذشته قبل از اسلام ایران اشاره داشت.

این امر با گرایش‌های روشنفکرانه زمانه خود همراه شد و مضامین ملی‌گرایی و وطن‌پرستی در نشریات جایگاه ویژه‌ای یافت. به طوری که می‌توان رد پای آن به ویژه در قالب ایرانی‌گرایی را در سیاست‌های فرهنگی آن عصر به خوبی دید.^۱ نشریه نیز، ضمن هم‌سوایی با این ارزش مسلط، ملی‌گرایی را بر اساس خوانش خود از نقش اجتماعی زن در جایگاه مادری تعبیر کرد: «مادرهای ما باید از طفولیت اطفال را عادت دهند که ایران ایرانی را بر همه چیز مقدم بشمارند. باید لاینقطع حافظه اطفال را از اسامی بزرگان ایران پر کنند.»^۲

رواج تجددگرایی از جمله دیگر ارزش‌های مطبوعاتی این دوره است. خصوصاً آن که در پرتو تأسیس و استقرار نظام پهلوی، تجددگرایی یکی از اصول سیاست‌های کلی حاکم شده بود، چنان که از نظر صاحب‌نظران سال ۱۳۰۵ آغاز شکل‌گیری نوعی مدرنیسم در ایران است و رضاشاه عامل ایجاد آن. نشریه از این مهم غافل نمانده و با استناد به وضعیت کشورهای خارجی ارزش‌های مدرنی چون برابری‌گرایی، علم‌گرایی، خرافه‌ستیزی، دنیاگرایی، انسان‌گرایی و از این قبیل را مطرح ساخت.

نشریه در اکثر مطالب خود جهت‌گیری مثبتی نسبت به مؤلفه‌های تجدد دارد و در این راستا الگوهای جدید زنانگی را به زنان عرضه می‌کند:

زن‌های دُول متمدنه بدواً بطالت را از خود دور و سپس در میدان کسب شرافت گوی سعادت را ربوده‌اند. بنا به مقایسه وضعیت قرون ماضیه و حال در اروپا، معلوم می‌شود که اساس نهضت اجتماعی آنان در نتیجه تربیت زنان آنهاست. چه، زن با تربیت از وقت استفاده و اطفال خود را به نحوی تربیت می‌نماید که

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک.: به آثاری درباره سازمان پرورش افکار از جمله جلال ستاری، (۱۳۹۵)،

سازمان پرورش افکار و هنرستان هنرپیشگی، تهران: مرکز. ص. ۱۴.

۲. سعید نفیسی، «سهم مادرها در ترقی و تجدد ایران»، بیک سعادت نسوان، ش. ۲.

ماده آنها مستعد ترقی و ابتکار و کسب ملکات فاضله باشد.^۱

در کنار ترویج ارزش‌های مسلط، برابری‌گرایی مطرح‌ترین مؤلفه مدرنیته در نشریه است: «امروز در اروپا دیگر فرقی بین نظام‌نامه و دروس نسوان و پسران نیست و اگر هم باشد خیلی جزئی است و در هیچ جا دیده نشده که این توافق نظام‌نامه به صحت مزاج و یا اخلاق دختران ضرری رسانده باشد.»^۲

نکته قابل توجه این است که زنان اغلب در نقش مادر مورد خطاب بوده و کمتر در نقش‌هایی همچون دختر، همسر یا معشوقه از سوی نشریه فراخوانده می‌شوند. در محدود مواردی هم باز الگوی همسری، مادری مطلوب دانسته می‌شود. از جمله در اینجا:

هر دختری باید بداند و هوشیار باشد که در انتخاب شوهر که بزرگ‌ترین مسئله حیاتی است برای او، نباید فقط به احساسات محبت و عشق ظاهری کفایت نمود زیرا اغلب احساسات برای انسان هادی مضلی بوده او را به وادی‌های خطرناک و یرتگاه‌های مهیب دلالت می‌نماید.^۳

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر به تحلیل کمی و کیفی محتوای پیک سعادت نسوان (۱۳۰۶-۱۳۰۷) پرداخت. مطالب نشریه کارکرد آموزشی و نیز کارکرد اطلاع‌رسانی داشتند. به لحاظ محتوایی، مطالب بیشتر دربردارنده محتوای آموزشی و تربیتی بودند. در مجموع باید گفت باور به وضعیت اسفبار زنان در آن دوره، نودوست را بر آن داشت تا نشریه‌ای با هدف شناخت و بررسی علل این وضعیت راه‌اندازی کند. در شماره نخست این نشریه به قلم نودوست آمده است: با این اوضاع اسفناک و رقت‌آور حیاتی و معارفی نسوان ایران ما هم به نوبه خویش بیش از این سکوت را جایز ندانسته، خامه ناتوان قلم را به دست گرفتیم تا حد امکان عوامل و وسایل تبه‌روزی را نشان داده، اصلاحات اساسی

۱. «زن و مرد»، پیک سعادت نسوان، ش. ۳.

۲. همان.

۳. همان.

آنها را خواستار شویم.^۱

تأکید بر وضعیت اسفبار، تیره‌روزی و بدبختی زنان از یک سو و شأن اجتماعی آنان در مقام بهائم یا مصادیق دیگری که پیش‌تر آمد از سوی دیگر، گویای مناسبات جنسیتی قدرت است که حاکی از موقعیت فرودستی زنان و فقدان قدرت آنان است. بی‌شک راه‌اندازی این نشریه با توجه به شرایط اجتماعی، زمینه‌های فکری و توان اقتصادی جامعه به منظور تهیه و مطالعه آن از سوی مخاطبان چندان رضایت‌بخش نبوده است. می‌توان انتظار داشت ناعدوست با موانع جدی عینی و نیز محتوایی در این راه روبرو شده است.

این نشریه به عنوان رسانه‌ای نوین در روزگار خود به دنبال اجتماعی شدن جنسیتی زنان بوده است. به بیان دیگر، کوشیده با برشمردن ویژگی‌های مطلوب زنان در عهده‌داری نقش‌های اجتماعی خاصی، هویت ملازم آن را متبادر سازد و از این طریق تربیت زنان و در نهایت بهبود وضعیت آنان و جامعه را محقق کند. جهالت مهم‌ترین عامل پس‌افتادگی و وخامت وضعیت زنان محسوب شده است، عاملی که هم موجب «بدبختی زنان و هم ضرر آن بالنتیجه متوجه مردان و هیئت اجتماعی مملکت است».^۲ لازم به ذکر است که نشریه در برخی عناوین به طور خاص به این بحث می‌پردازد. از جمله برای تحقق ارزش پیشرفت‌گرایی به عنوان یکی از مؤلفه‌های مدرنیته و در شرایط فقدان فراگیری آموزش رسمی و نظام‌مند، تربیت نسل آینده بر عهده مادران گذاشته می‌شود. برای مثال، در مقاله‌ای به قلم نفیسی آمده است:

ایجاد این وظیفه مهم [حس وطن‌پرستی] به عهده مادر است، زیرا ما در این ایام نه مدرسه داریم نه حزب که درس وطن‌پرستی دهد. نظام اجباری هزاران معاند و مخالف دارد. معلم مدرسه هرگز اسم ایران را به زبان نمی‌آورد. تاریخ و جغرافیا و ادبیات ایران را در مدارس نمی‌آموزند. مادرهای ما باید از ابتدای طفولیت اطفال را عادت دهند که ایران و ایرانی را بر هر چیزی مقدم بشمارند.

۱. روشنگر نعدوست، «بیان مقصود»، بیک سعادت نسوان، ش. ۳.

۲. «به کجا باید توجه کرد»، بیک سعادت نسوان، ش. ۴-۵.

باید لاینقطع حافظه اطفال را از اسامی بزرگان ایران پر کنند.^۱

این مهم همسو با اهداف نظام سیاسی حاکم در جهت ترویج وطن‌پرستی و ایجاد هویت ملی قابل تعریف است و از این نظر زنان را به عنوان کارگزاران اجتماعی نهادینه‌سازی ارزش‌های مدرن در خانواده و نسل آتی معرفی می‌سازد. بنابراین هرچند زنانگی و هویت اجتماعی زن در قالب مادر الگویی مرجح در نشریه است، نشریه تنها بدان بسنده نمی‌کند، بلکه تعلیم و تربیت زنان را موجب کارکرد بهتر زن در خانواده می‌داند: «این نوع زنان [زنان باسواد] بهتر می‌توانند از عهده همسری و مادری برآیند تا نسوانی که جز کارهای معمولی خیالات دیگری از مغز خطور نمی‌دهند.»^۲ همچنین کارکرد بهتر زنان در جامعه:

زن هم یک عنصری است در عالم که دارای جنبه باطنی می‌باشد و عضو ذی‌روحي است در عالم خلقت که هوش و قابلیت در نهاد او به ودیعه گذاشته شده، ودیعه را نباید گذاشت که بی ثمر و حاصل بماند، بلکه باید آن را در نتیجه تربیت به جایی رسانید که نفع آن به خود و دیگران، موجب اثرات گردد.^۳ در مقام مقایسه و ارجاع به وضعیت زنان در کشورهای پیشرفته است که می‌بینیم نشریه بر معرفی تلویحی و ترویج مؤلفه‌های مدرنیته از جمله علم‌گرایی، پیشرفت‌گرایی و برابری‌گرایی تأکید می‌کند. بعضاً نشریه فراتر از تخصیص نقش‌های اجتماعی عرفی برای زنان به حضور و نقش‌آفرینی آنان در عرصه عمومی هم نظر داشته و علم‌آموزی را، فراتر از تربیت به منظور اجرای هر چه بهتر نقش مادری، موجب بهبود وضعیت زنان و جامعه برمی‌شمرد:

بلی در ممالک راقیه علوم و معارف برای مردان و زنان به طور تساوی اجرا و اعمال می‌شود و بنا به احصائیه‌ای که در جراید از نظر می‌گذرانیم، در هر سال هزاران زن علاوه از آن که تکالیف انفرادی را انجام می‌دهند، به خیال خدمات نوعی و اجتماعی افتاده، در فکرنده که به وسیله اختراعی، یکی از ضروریات

۱. «سهم مادرها در ترقی و تجدد ایران»، بیک سعادت نسوان، ش. ۲.

۲. «زن و مرد»، بیک سعادت نسوان، ش. ۳.

۳. همان.

بشری را رفع نمایند و اغلب موفقیت حاصل نموده تاج افتخار به سر می‌نهند. ما در کجاییم، چه فکر می‌کنیم، که زنان غرب نزدیک است قدم به قدم با مردان شریک شوند. در انتخابات دخالت نمایند، بالاخره مقام مأموریت‌های سیاسی و غیره را اشغال نمایند!^۱

هرچند سوادآموزی، تحصیل علم و تربیت زنان مورد توجه اکید نشریه بوده، بدیهی است در دستگاه فکری اصحاب آن تحقق ایران پیشرفته تنها منوط به تربیت زنان نبوده است. درک ضرورت اصلاحات ساختاری و نیز محدودیت‌های ناشی از فضای سیاسی-اجتماعی دوران پهلوی اول موجب شده تا گهگاه و در جریان طرح موضوعات مختلف ضعف‌های ساختاری جامعه ایران در کانون توجه قرار گیرد. از جمله در سرمقاله شماره ۴-۵ آمده است: «مسلم است که این ظواهر و آزادی بالنسبه زنان اروپا و پشتکار و جدیت و روشنی فکر آنها فرع یک اساس اقتصادی و سیاسی است که در مملکت ما موجود نیست.»^۲

کوتاه سخن این که پیک سعادت نسوان نشریه‌ای با افق دید میان‌مدت و بلندمدت و با نگاه استراتژیک، تعلیم و تربیت زنان را اولین گام در جهت بهبود و تعالی وضعیت زنان، مردان و در نهایت جامعه ایران دانسته و ضمن طرح ابعاد جهل، بی‌سوادی، ناآگاهی و در مجموع «پس‌افتادگی» آنان و نیز معرفی وضعیت مترقی زنان در کشورهای پیشرفته، سعی در هدایت ذهنی مخاطبان خود به سوی وضعیت مطلوب و بایسته‌هایی داشته است. مهم آن که تحلیل کمی مخاطبان نشان داد، با وجود عنوان، نشریه صرفاً برای زنان نگاشته نشده و با طرح موضوعات زن‌محور، از یک سو، و توجه به ضرورت اصلاحات کلان در عصر مدرن شدن ایران، از سوی دیگر، همچون دعوتی از کنشگران اجتماعی بالخصوص خوانندگان باسواد و نیز دست‌اندرکاران فرهیخته روزگار خود اعم از زن و مرد برای تحقق تحول جدی در وضعیت زنان بوده است.

۱. همان.

۲. «به کجا باید توجه کرد؟»، پیک سعادت نسوان، ش. ۴-۵.

منابع و مآخذ

- بابایی راد، بیتا و شب‌نم حاتم‌پور، (۱۳۸۹)، «زن در تحولات سیاسی از قرن هفتم تا پایان دوره پهلوی»، زن و فرهنگ، س. ۲، ش. ۶، زمستان ۸۹.
- بران، صدیقه، (۱۳۸۱)، *نشریات ویژه زنان*، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- پیروزی، شادی و هادی میرزائزاد موحد، (۱۳۹۳)، *پیک سعادت نسوان: دومین نشریه زنان گیلان دوره کامل مهر ۱۳۰۶ تا شهریور ۱۳۰۷*، رشت: فرهنگ ایلیا.
- *پیک سعادت نسوان*، ش. ۱ تا ۶ (۱۳۰۶-۱۳۰۷).
- توکلی طرقي، محمد، (۱۳۸۲)، *تجدد بومی و بازانديشي تاريخ*، تهران: تاريخ ايران.
- خانیکي، هادی و معصومه کیهانی، (۱۳۹۱)، «مدلی برای مطالعه مطبوعات زنان در ایران»، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ش. ۲۸، پاییز ۱۳۹۱.
- رایف، دانیل، استفن لیس، و فریدریک جی. فیکو، (۱۳۸۱)، *تحلیل پیام‌های رسانه‌ای، کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق*، ترجمه مهدخت بروجردی، تهران: سروش.
- فروردین، فیروزه، (۱۳۸۸)، «بازنمایی ایدئولوژی جنسیت در گفتمان عصر مشروطه»، پایان‌نامه رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۸.
- مسعودی، بنفشه و ناصر مهاجر، (۱۳۹۰)، *مجله پیک سعادت نسوان*، آلمان: قطره.
- نمازی‌خواه، سحر، (۱۳۸۰)، «زنان روزنامه‌نگار در سایه مشروطه»، *روزنامه شرق*، ش. ۱۰، (ویژه‌نامه سالگرد جنبش مشروطه ایران).
- Zang, Y.; Wildemuth, B. M. (2009), "Quantitative Analysis of Content," In: B. M. Wildemuth, ed., *Applications of Social Research Methods to Questions in Information and Library Science*, Libraries Unlimited, pp. 1-12.